

## تحریم‌های اقتصادی یکجانبه در میانه اعمال قدرت نرم و سخت

حسین حسینی محبوب<sup>۱</sup>

ستار عزیزی<sup>۲</sup>

محسن محبی<sup>۳</sup>

### چکیده

تحریم اقتصادی، معطوف به امتناعی نظام یافته از برقراری روابط اقتصادی یک دولت یا گروهی خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول خود یا جامعه بین‌المللی می‌باشد. تحریم‌های یک‌جانبه تحریم‌هایی هستند که تنها توسط یک دولت و علیه دولتی دیگر، اعمال می‌گردد. تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر کشور هدف تحریم به کار گرفته می‌شود و هدف تحریم کنندگان، آن است که بدون استفاده از نیروی نظامی به اهداف خود دست یابند لذا از این سیاست می‌توان به عنوان سیاستی در میانه اعمال قدرت نرم و سخت، نام برد. این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی بوده. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی و ابزار تحقیق فیش بوده و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز به صورت استدلال استقرایی انجام گرفته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که برخی از دولت‌ها با اعمال تحریم‌های یکجانبه به دنبال آن هستند که از طریق اعمال تحریم‌ها و عدم استفاده از گزینه نظامی که تجلی بارز قدرت سخت است، به اهداف خود دست یابند. از اینرو از آن تحریم یکجانبه می‌توان به عنوان سیاستی در میانه اعمال قدرت نرم و سخت، نام برد. تحریم‌های یکجانبه تنها در صورتی مشروع خواهند بود که در پاسخ به اقدامات متخلفانه دولت هدف تحریم اتخاذ شوند و واجد شرایط لازم برای اقدامات متقابل از جمله ضرورت و تناسب باشند.

**کلید واژگان:** تحریم‌های اقتصادی یکجانبه، اقدام متقابل، قدرت نرم، قدرت سخت.

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)  
satarazizi@ymail.com

۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## مقدمه

اصطلاح تحریم<sup>۱</sup> معطوف به امتناعی نظام یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول دولتهای تحریم کننده می‌باشد. کاربرد تحریم بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی رایج است و کالاها و خدمات تولیدی یک دولت خاص بایکوت می‌شود. تحریم ممکن است عام یعنی شامل همه کالاها و خدمات و یا خاص و محدود به یک نوع یا دسته خاصی از کالاها باشد (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۹۶).

تحریم اقتصادی به معنای مداخله‌گری در روابط اقتصادی، اعراض سیاسی و یا نوعی دیپلماسی اجبار است که در آن آمیزه‌ای از اجبار اقتصادی و دیپلماسی به صورت هدفمند استفاده می‌شود تا طرف مقابل را که به دنبال تغییر وضع موجود است و یا هم اکنون وضع موجود را دگرگون ساخته، وادار نماید تا در تصمیم خود تجدید نظر کند (زهرانی، ۱۳۸۷: ۸۱).

در قرون گذشته، دولتهای استعمارگر به شیوه‌های سخت افزاری نظیر تهدید نظامی، جنگ و مشاغل نظامی در پی تحصیل منافع خود بودند، اما با شروع عصر ارتباطات، استفاده از قدرت رسانه و دیپلماسی عمومی و به صورت کلی، راهبردهای نرم افزانه پیوسته بر راهبردهای سخت افزانه ارجحیت دارد و نمی‌توان حرکت‌های نرم افزانه را با ابزارهای سخت افزانه سرکوب نمود و در چنین موقعی نهضت‌های نرم افزانه تقویت شده و ایده‌هایشان نافذتر می‌گردند (شیروانی، ۱۳۸۹: ۲۳). قدرت نرم یک قدرت غیر قابل لمس است و به واسطه استفاده از فناوری‌های جدید می‌تواند ضریب دستیابی به هدف‌ها را افزایش دهد. قدرت نرم امری غیر محسوس است که ویژگی آن با تقسیم بندی قدرت به شیوه سنتی متفاوت است (عالم، ۱۳۷۳: ۹۱). مفهوم قدرت ماهیتا مجادله انگیز است زیرا رابطه‌ای ذاتی و ماهوی میان دال و مدلول قدرت وجود ندارد و مفهوم قدرت مصداق‌های خود را در گفتمان‌های مختلف می‌جوید. نظریه پردازان مکتب واقع گرایی در مفهوم سنتی قدرت بر ابعاد مادی تاکید دارند. در این تصویر از قدرت، که از سوی اندیشمندانی چون هابز و کاکیاولی ارائه می‌شود، در واقع قدرت به توان اعمال سلطه از سوی یک بازیگر به بازیگران برای تمکین از خواست وی تعبیر می‌شود که همین

امر نیز در اعمال تحریم‌های اقتصادی نیز بروز می‌کند (شجاعی، ۱۳۹۳: ۲۷). برخی عوامل سیاسی از جمله ثبات سیاسی، نوع رژیم و رهبری از مولفه‌های مادی قدرت نرم به شمار می‌آیند (صبوری، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۲). در همین راستا در کلی‌ترین سطح، قدرت به معنای توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور رسیدن به نتایج دلخواه است. برای تحت تأثیر قرار دادن رفتار دیگران چندین راه وجود دارد: میتوان آنها را با تهدید یا اعمال نیروی قهریه مجبور به انجام کاری کرد؛ می‌توان با کاربرد منابع اقتصادی دیگران را وادار به پیروی کرد؛ یا اینکه با بهره‌گیری از مؤلفه‌های نرم افزاری قدرت آنها را جذب و با خود همراه کرد. دو شیوه نخست را شیوه‌های مبتنی بر قدرت سخت و شیوه سوم را مبتنی بر قدرت نرم می‌دانند (رفیعی قهساره، ابوزر، ۱۳۹۷: ۹-۳۴) حال سوال اساسی این مقاله آن است که تحریم‌های اقتصادی یکجانبه را در زمره کدام یک از شیوه‌های اعمال قدرت نرم و یا قدرت سخت، میتوان قرار داد؟ و نیز این سوال قابل طرح است که اعمال تحریم‌های یکجانبه تحت چه شرایطی در نظام حقوق بین‌الملل میتواند مشروع محسوب گردد؟

فرضیه نویسندگان مقاله آن است که اعمال تحریم‌های اقتصادی را باید در میانه اعمال تحریم‌های نرم و سخت باید قرار داد. همچنین تحریم‌های یکجانبه علی‌الاصول نامشروع است زیرا بدون رعایت مقررات منشور ملل متحد و در نهادهایی خارج از شورای امنیت سازمان ملل متحد، وضع شده‌اند. اما به صورت استثنایی، تحریم‌هایی که در واکنش به نقض حقوق بین‌الملل علیه دولت متخلف و با هدف توقف نقض مقررات حقوق بین‌الملل و با رعایت شروط تناسب و ضرورت، اعمال می‌گردند میتوانند مشروع باشند.

### ۱. پیشینه پژوهش

پیرامون بحث «تحریم‌های اقتصادی یکجانبه در میانه اعمال قدرت نرم و سخت» کتاب یا مقاله و یا پایان‌نامه‌ای جامع و مستقل که شامل زیر مجموعه‌های موضوعی موجود در این پژوهش باشد، به رشته تحریر در نیامده است. اگر چه با مراجعه به کتابخانه‌های موجود، برخی جوانب و ابعاد، در حدی مشخص و بسیار محدود، که در ذیل به آنها اشاره شده است مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

کاظم غریب آبادی (۱۳۹۶) در رساله خود با عنوان «تحریم‌های یکجانبه و حقوق بین

الملل (مورد مطالعه: جمهوری اسلامی ایران)» بیان می‌کند که تحریم‌ها همواره برای حصول به اهدافی مشخص، وضع و اعمال شده‌اند. آنگونه که از پیش نویس مفاد طرح مسئولیت دولت‌ها برمی‌آید، اقدامات قهری یکجانبه کشورها علیه یکدیگر که در چارچوب مفاد منشور ملل متحد نمی‌گنجد، از تحریم تفکیک شده و از آن به عنوان "اقدام متقابل" یاد می‌شود که خود تابع شرایط شکلی و ماهوی متعددی است. وجه تمایز مقاله حاضر با این پژوهش علاوه بر اینکه به بحث اقدام متقابل توجه شده تحریم‌های اقتصادی نیز در میانه قدرت نرم و قدرت سخت نیز مورد بررسی قرار داده است.

مهدی حدادی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «تحریم‌های بین‌المللی، ابراز سیاست ملی یا ضمانت اجرایی بین‌المللی» به این نتیجه رسیده است که در منشور ملل متحد، تنها توسل به زور نظامی ممنوع شده است و به عنوان قاعده آمره مطرح می‌شود و با توجه به پذیرش اقدام متقابل در حقوق بین‌الملل، کشورهای زبان دیده از نقض مقررات حقوق بین‌الملل تحت شرایطی حق دارند به تحریم‌ها از جمله تحریم‌های اقتصادی متوسل شوند و این سلاحی است که صرفاً در اختیار شورای امنیت سازمان ملل قرار ندارد. وجه تمایز مقاله حاضر با این پژوهش علاوه بر اینکه به بحث اقدام متقابل توجه شده تحریم‌های اقتصادی نیز در میانه قدرت نرم و قدرت سخت نیز مورد بررسی قرار داده است.

سید قاسم زمانی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین‌المللی» اذعان داشته است که اگر چه در رابطه با اصل مشروعیت تحریم‌های یک جانبه اختلاف نظر وجود دارد ولی معتقد است که کشورها می‌تواند در روابط خود از ابزار فشار اقتصادی علیه یکدیگر استفاده می‌کنند اما در صورتی این تحریم‌ها منجر به نقض حقوق بشر در کشورهای هدف تحریم شود، در عدم اعتبار آن مشکلی وجود ندارد.

## ۲. روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات با توجه به نوع تحقیق به روش کتابخانه‌ای خواهد بود و داده‌های لازم با مراجعه به منابع و مآخذ علمی شامل کتب، مجله‌ها و نشریات ادواری موجود در کتابخانه‌ها، اسناد و نشریات حقوقی،

نظریات علمای حقوق و... همچنین پایگاه‌های اینترنتی حاوی تحقیقات و مقالات علمی معتبر اطلاعات مورد نیاز تحقیق گردآوری شده است.

### ۳- چارچوب مفهومی

#### ۳-۱- تحریم اقتصادی

از منظر اقتصاد سیاسی، تحریم اقتصادی یکی از ابزارهای کنترل کشورهایی است که در راستای منافع اقتصادی و سیاسی کشورهای مسلط، رفتار نمی‌کنند. در واقع، تجارت خارجی به عنوان اهرم تنبیه یک کشور بدون استفاده از نیروی نظامی است. تحریم‌ها ابزارهای اقتصادی هستند که برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی از آنها استفاده می‌شود (زهرانی، ۱۳۷۶: ۶۸). فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، چارچوب حقوقی اصلی برای ارزیابی اقدامات تحریمی سازمان ملل می‌باشد. این فصل دارای حداقل ضمانت‌هایی است که هدف آن اطمینان از رعایت اصول قانونی بودن، ضرورت و تناسب اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد در اعمال تحریم هاست. (Daniëlla Dam-de Jong, 2020: 8-9)

#### ۳-۲ یکجانبه‌گرایی

تعریف بین‌المللی توافق شده‌ای در خصوص یکجانبه‌گرایی<sup>۱</sup> وجود ندارد. اصطلاح یکجانبه‌گرایی هنگامی معنا می‌یابد که به وضعیت‌هایی مربوط شود که به طور شفاف در چارچوب صلاحیت سرزمینی دولت مربوطه قرار گیرد. لذا، این اصطلاح به طور نزدیکی با محدودیت‌های سرزمینی صلاحیت پیوند می‌خورد و در واقع، با اصطلاح فراسرزمینی<sup>۲</sup> نیز ارتباط می‌یابد. یکجانبه‌گرایی هم می‌تواند شامل توسل به اقدامات قانونی و هم حاکی از تمایل عمومی کشورهای قدرتمند یا گروهی از کشورها به انجام اقداماتی بدون احترام به حاکمیت برابر دیگر کشورها باشد. به عبارتی دیگر، از زاویه قانونی، یکجانبه‌گرایی بر اقدامات قانونی دلالت دارد که مبین ابراز اراده یکی از تابعان حقوق بین‌الملل است. از منظر سیاسی و غیرقانونی نیز توسل به اقدامات یکجانبه بیشتر در قالب سیاست خارجی شکل می‌گیرد و از سوی یک یا گروهی

1. Unilateralism
2. Extraterritoriality

از کشورها، برای دستیابی به برخی اهداف معین اعمال می‌شود (Dupuy, 2000: 19-20). در این میان، استدلال سازه‌انگاران علیه یکجانبه‌گرایی نیز این است که اقدامات یکجانبه، مشروعیت نظم بین‌المللی را تضعیف نموده و موجب افزایش هزینه‌ها خواهد شد. بنابراین تحریم‌های اقتصادی یکجانبه، در صورتی که خارج از چارچوب ملل متحد اعمال گردند و یا فاقد شرایط اقدام متقابل باشند، نامشروع بوده و نوعی ابزار اعمال قدرت محسوب گردیده و دولت‌ها در جهت حصول به اهداف سیاسی خود از آنها استفاده مینمایند.

#### ۴- یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱ مشروعیت تحریم‌های یکجانبه در چارچوب اقدام متقابل

در حقوق بین‌الملل هیچ دولتی مجبور نیست زمانی که دولت دیگری نسبت به آن عمل خصمانه انجام می‌دهد، یا حقوقش را تضییع می‌کند و یا از تعهداتش نسبت به دولت مذکور تخطی می‌ورزد، منفعل باشد. هنگامی که چنین امری به وقوع می‌پیوندد، دولت زیان دیده می‌تواند با رعایت برخی از اصول حقوق بین‌الملل نظیر ممنوعیت توسل به زور یا احترام به سایر تعهدات لازم، همچون تعهد رجوع به مراجع ثالث حل و فصل اختلافات، به اقدامات متقابل متوسل شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر مواد مربوط به اقدامات متقابل بر این حقیقت تاکید نمود و یادآور شد که «در یک نظام بین‌المللی غیر متمرکز که در اغلب موارد روش اجباری حل و فصل اختلافات وجود ندارد، دولت‌ها به اقدام یکجانبه متقابل متوسل می‌شوند.» (ILC Report, 1998: 153). بدین ترتیب کمیسیون از عبارت اقدام متقابل برای نشان دادن مجموعه‌ای اقدامات یکجانبه دولت- زیان دیده برای پاسخ به عمل خلاف اولیه استفاده کرده است. اقدام متقابل در معنای وسیع خود عبارت است از مجموعه‌ای از اقدامات یک دولت که در برابر نقض حقوقش توسط دولت دیگر، علیه آن دولت به کار می‌بندد (Ibid, 154). اقدامات مذکور می‌تواند شامل گروهی از واکنش‌های متفاوت حقوقی و سیاسی باشد. گزارشگر آدرانجیو- رویز اقدامات متقابل را- به عنوان مجموعه‌ای از عکس‌العمل‌های یک دولت در پاسخ به موارد نقض حقوق بین‌الملل که دولت مورد بحث از آن زیان دیده است، تعریف می‌کند (ILC Report, 1992: 50-51). وی دامنه اقدامات متقابل در پیش‌نویس را محدود به اقداماتی می‌داند که فی‌نفسه قانونی نیستند، اما به لحاظ آنکه عکس‌العمل به یک عمل خلاف قبلی می‌باشند، مشروع تلقی می‌شوند.

کمیسیون در تفسیر ماده ۴۷ پیش نویس مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص شرایط مشروعیت اقدام متقابل یادآور می‌شود:

«مفهوم اساسی اقدام متقابل این است که دولت زیان دیده حق دارد به یک یا چند تعهد خود نسبت به دولت متخلف عمل نکند.» (ILC Report, 1998: 154). در توضیح ضرورت توسل به اقدامات متقابل بعنوان ابزاری برای اعمال نظم حقوقی بین‌المللی و همچنین لزوم قرار دادن آن در پیش نویس می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد (Elagab, 1988: 217): اول) محدودیت حق توسل به زور در حقوق بین‌الملل، همراه با تعهد به حل و فصل اختلافات از طریق مرجع ثالث نبوده است به همین خاطر، بعضاً توسل به اقدام متقابل روشی برای وادار کردن طرف متخلف به پذیرش حل و فصل از طریق مرجع ثالث است. دوم) حتی چنانچه طرف متخلف رضایت به رجوع به مرجع ثالث بدهد، مکانیزم بین‌المللی کافی برای اجرای نتیجه‌ی حل و فصل وجود ندارد، از همین رو طرف زیان دیده غالباً ناچار به اتخاذ اقدامات متقابل است. سوم) اقدامات متقابل می‌تواند به اعاده‌ی توازن و تعادل میان طرفین اختلاف کمک کند. گزارشگر آرانجیو- رویز در سومین گزارش خود بر این حقیقت تاکید می‌کند که اقدام متقابل اصولاً انعکاس ساختار ناقص جامعه بین‌الملل است. جامعه‌ای که هنوز موفق به تاسیس یک سیستم متمرکز برای اجرای قانون نشده است. وی اضافه می‌نماید که جامعه بین‌الملل حتی در مورد مسایل مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی فاقد چنین سیستمی است (ILC Report, 1992: 10). اقدام متقابل اختیاری است که از سوی حقوق بین‌الملل به دولت‌ها اعطا شده است یا حداقل به رسمیت شناخته شده است. این اختیار نظیر هر اختیار دیگر حقوقی مستلزم قاعده‌مندی است (Elizabet, 1984: 103). کمیسیون در تفسیر خود از اقدام متقابل یادآور می‌گردد که گنجاندن اقدام متقابل در پیش نویس منوط به شرایط و محدودیت‌هایی است. کمیسیون علی‌رغم وجود منفی اقدام متقابل دو نکته را خاطر نشان می‌سازد:

- شواهد کافی وجود دارد که اقدام متقابل در حقوق بین‌الملل عرفی به عنوان روش جهت پاسخ به یک عمل غیرقانونی پذیرفته شده است.
- نباید اهمیت تعیین اختیار دولت‌ها برای توسل به اقدامات متقابل یعنی مشخص نمودن شرایطی که طبق آن اقدام متقابل قانونی است را دست کم گرفت (ILC Report, 1988: 154).

کلیه شرایط مشروعیت اقدام متقابل به هنگام توسل به تحریم اقتصادی باید مورد توجه واقع شود برای مثال، قطع روابط تجاری از دیدگاه حقوق بین‌الملل امری مشروع می‌باشد اما در مواقعی که کشوری قطع روابط تجاری خود را با کشور دیگری به عنوان یک عمل متقابل انجام می‌دهد بایستی محقق شود که آیا تخلفی از ناحیه کشور مورد تحریم صورت گرفته است یا خیر و یا اینکه در صورت احراز تخلف حقوقی کشور مورد تحریم، آیا اصل تناسب در اقدامات متقابل رعایت شده است یا خیر.

#### ۴-۲ تحریم اقتصادی در میانه قدرت سخت

قدرت سخت بر فشار، اختار، نمایش قدرت (به منظور نمایش عزم راسخ) و عملیات نظامی کنترل شده علیه کشوری مبتنی است که شروع کننده اقدامات غیر قابل قبولی بوده است (آقابخشی، ۱۳۷۷: ۴۲۳). تهدید سخت زمانی که به علت انجام اقداماتی، استقلال و تمامیت ارضی کشور در خطر هجوم نیروهای نظامی کشور دیگر یا گروه‌های معارض قرار گیرد، صورت می‌گیرد. قدرت سخت به صورت روش‌های فیزیکی، استفاده از زور و اجبار عینی، همراه با اعمال و رفتارهای خشونت‌آمیز و سخت افزارانه است. این قدرت محسوس، واقعی و عینی می‌باشد. این قدرت در دوران استعمار کهن ظهور یافت طوری که قدرت‌های استعماری سرزمین‌های ضعیف‌تر را با زور و با لشکرکشی تصرف می‌کردند. اگرچه در دوران معاصر نیز چنین نمونه‌هایی از این قدرت سخت در لشکرکشی‌های آمریکا در عراق و افغانستان وجود داشت. حوزه قدرت سخت امنیتی و نظامی است. امنیت در قدرت سخت به معنی نبود یک قدرت خارجی و یا یک قدرت متزلزل به علت اوضاع داخلی آن کشور است که در این وضعیت مقصود قدرت سخت تخریب و تصرف و اشغال سرزمین و فروپاشی نظام‌های سیاسی و امنیتی می‌باشد. معیار قدرت سخت بکارگیری قوای نظامی است که استعمال آن تحت عناوین مشروع، مداخله بشردوستانه و نجات دادن جان اتباع، دخالت انسانی، دفاع پیش‌دستانه، اقدامات تلافی‌جویانه توجیه شده است.

بنابراین با عنایت به مفهوم، مبنا و هدف؛ تحریم اقتصادی یکجانبه می‌تواند به نحوی با آثار ژنوسید که بر اساس قدرت سخت صورت می‌گیرد، مرتبط می‌باشد. به عبارت دیگر، این سوال قابل طرح است آیا می‌توان برخی از جلوه‌های شدید تحریم اقتصادی را مصداقی از جنایت



ژنوسید تلقی کرد؟ در این خصوص ضمن نگاهی مختصر به تعاریف و عناصر تشکیل دهنده ژنوسید امکان اطلاق این عناوین بر تحریم اقتصادی، مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

بعضی از صاحب نظران، تحریم‌های اقتصادی، بالاخص تحریم‌های اقتصادی گسترده را جنایت بین‌المللی دانسته و بر این اساس برای اشخاصی که به نوعی در این چنین تحریم‌ها دخالت دارند، مسئولیت کیفری در نظر گرفته‌اند (Davidsson, 1988). همچنین، بر این باورند که اگرچه ممکن است یک برنامه تحریم در ابتدا در مغایرت با کنوانسیون ژنوسید نباشد، ولی ادامه تحریم‌ها با توجه به پی‌آمدها و نتایج آن سبب تحقق ژنوسید خواهد شد (Lennon, 2000: 20). جمعی از نویسندگان نیز با علم به عللی همانند میزان اقدامات انجام شده در قالب برنامه تحریم، قصد قبلی و برنامه ریزی تحریم کنندگان برای اعمال تحریم، قابل پیش بینی بودن عواقب آن و طول مدت اجرای تحریم، به این نتیجه رسیده‌اند که یک برنامه تحریم ممکن است به عنوان جنایت ژنوسید محسوب شود (Davidsson, 1988: 133- 134).

گروهی از نویسندگان نیز با توجه به عواملی همچون میزان اقدامات انجام شده در چارچوب برنامه تحریم، برنامه ریزی و قصد قبلی تحریم کنندگان برای اعمال تحریم، قابل پیش بینی بودن عواقب آن و طول زمان اجرای تحریم، به این نتیجه دست یافته‌اند که یک برنامه تحریم ممکن است به عنوان جنایت ژنوسید قلمداد گردد (Davidsson, 1988: 133- 134).

«در ماده ۶ اساسنامه رم و ماده ۲ کنوانسیون ژنوسید، این جرم به عنوان یکی از پنج اقدام ویژه ارتكابی با هدف نابودی یک گروه نژادی، مذهبی، ملی، قومی و یا مشابه آن تعریف شده است. این پنج اقدام شامل: کشتن افراد آن گروه، ضربه‌ی سهمگین به سلامت جسمی و یا روحی نفرت آن گروه، تحمیل شرایطی بر آن گروه که باعث نابودی آن شود، ممانعت از تولد در داخل گروه و کوچ اجباری کودکان از آن گروه به گروهی دیگر» (شبت، ۱۳۸۴: ۴۷).

در میان اعمالی که تشکیل عنصر مادی ژنوسید را می‌دهند، قرار دادن عمدی یک گروه در وضعیت زیستی نامناسب که با زوال کلی یا جزئی آنان منجر گردد، نوعی نابودی غیر مستقیم یک گروه است که با قرار دادن اعضای آن در شرایط زیستی سخت که دیر یا زود به نابودی آن‌ها خواهد انجامید محقق می‌شود (آذری، ۱۳۸۵: ۶۴).

این اقدام، مصادیق مختلفی را در بر می‌گیرد. به گرسنگی کشاندن، گسیل داشتن به بیابان‌ها و مناطق و شرایط آب و هوایی غیرقابل تحمل و مرگبار و یا الزام به زندگی در اردوگاه‌های مرگ از

جمله مصادیق اقدام مذکور محسوب می‌شوند (همان). همچنین از وضعیت نامناسب تغذیه، اخراج سیستماتیک از محل سکونت و تقلیل خدمات ضروری پزشکی به عنوان سایر مصادیق این اقدام یاد شده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۹۷).

بدیهی است مصادیق مذکور تمثیلی می‌باشند و هرگونه اقدام دیگری که اعضای یک گروه را در وضعیت زیستی نامناسب قرار دهد که به ناپودی آن گروه منجر گردد، در این مقوله جای می‌گیرد.

هر چند جلوه‌های شدید تحریم اقتصادی را می‌توان بر عنصر مادی ژنوسید منطبق نمود، اما برای آنکه بتوان تحریم اقتصادی را به عنوان یکی از مصادیق جنایت ژنوسید محسوب کرد، تحقق عنصر روانی نیز ضرورت دارد. در ژنوسید علاوه بر قصد ساده (سوء نیت عام) که همان عمد در ارتکاب یکی از اعمال مندرج در ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و ماده ۲ کنوانسیون ژنوسید می‌باشد، سوء نیت خاص نیز ضروری است.

مقصود از سوء نیت خاص در جنایت ژنوسید، قصد خاص مرتکب مبنی بر از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، نژادی و مذهبی می‌باشد. نتیجه آن می‌شود که مصادیق کم اهمیت تر عنصر روانی، مثل سهل انگاری<sup>۱</sup>، یا مسامحه<sup>۲</sup>، برای تحقق این جرم کفایت نمی‌کند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۱۰۰-۹۹). بدین ترتیب، ممکن است بتوان سوء نیت خاص را در محاصره نظامی جمعیت غیرنظامی احراز نمود، اما بسیار بعید به نظر می‌رسد که در برنامه‌های تحریم اقتصادی چنین قصدی قابل تحقق باشد، زیرا معمولاً تحریم کنندگان خواهان از بین بردن جمعیت غیر نظامی نیستند، بلکه در اجرای تحریم، اهداف دیگری از قبیل وادار ساختن یک دولت به رعایت حقوق بشر، جلوگیری از دستیابی دولت‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی و یا کسب امتیازات سیاسی دنبال می‌شود، بنابراین، تحریم‌های اقتصادی حتی به شکل گسترده به دلیل عدم تحقق سوء نیت خاص، ژنوسید محسوب نمی‌شود و مسئولیت کیفری اشخاص دخیل در برنامه‌های تحریم، قابل طرح نخواهد بود.

---

1. Recklessness

2. Negligence

## ۳-۴ تحریم اقتصادی در میانه قدرت نرم

قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دادن به علایق دیگران و هدایت رفتار آنان بدون بهره گیری از زور. برخی نیز قدرت نرم را توانایی کست چیزی از طریق جذب به جای اجبار مطرح می‌کند. قدرت در دو لایه سخت و نرم قابل طبقه بندی است که لایه نرم قدرت، مهمترین جزء آن است. (حدیدی، ۱۳۹۹: ۱۷۹-۲۰۷) اصطلاح قدرت نرم برای نخستین بار بعد از جنگ جهانی دوم، توسط ای.اچ.کار،<sup>۱</sup> دانشمند واقع گرای انگلیسی در سال ۱۹۳۹ مطرح شد. وی قدرت بین‌المللی را در سه بخش نظامی، اقتصادی و قدرت تسلط بر افکار توصیف کرد (کار، ۱۹۶۴: ۱۰۸). در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم مفهوم قدرت از حوزه سخت افزاری (قدرت سخت) به حوزه نرم افزاری (قدرت نرم) تحول یافت و بسیاری از کشورها در صدد بهره برداری از قدرت نرم در راستای پیشبرد اهداف و منافع خود شدند (حق پناهان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۷-۱۶۸) به عقیده‌ی برخی صاحب‌نظران، عصر قدرت نرم، بعد از فروپاشی شوروی در ادبیات راهبردی جهان وارد شده و بر این اساس از ادبیات محدودی برخوردار است و هنوز در مورد بسیاری از مباحث مرتبط با آن، همچون: تعریف، مصداق، منابع، ابزارها، کاربرد و قلمرو، تعریف مشخص و شفاف وجود ندارد (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۹). قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تاثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده‌ی دیگران را تابع اراده‌ی خویش ساختن و مولفه‌هایی از این سنخ است (افخمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۳-۱۵۷) به این ترتیب، در به کارگیری قدرت نرم نتایجی به صورت تولید رضایتمندی، تولید اعتقاد، تولید اعتبار و تمکین به دست می‌آید (یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۰۰). با مراجعه به دیدگاه برخی از اندیشمندان اقتصادی و سیاسی، وجوه نرم در اقتصاد و مباحث مربوط به قدرت نرم اقتصادی را به وضوح می‌توان مشاهده کرد. از نظر برخی از اندیشمندان، قدرت نرم دارای دو مفهوم محدود و گسترده است. در مفهوم گسترده، قدرت نرم مترادف با قدرت غیرنظامی است و شامل هر دو قدرت فرهنگی و اقتصادی می‌شود و تنها در مفهوم محدود، قدرت نرم شامل قدرت فرهنگی است. اما گروهی از محققان قدرت اقتصادی

را یکی از مهم‌ترین ابزارها در جعبه ابزار سیاست‌های قدرت نرم می‌دانند و به مولفه‌ها و منابع اقتصادی از قبیل وابستگی متقابل اقتصادی، منابع طبیعی، نفت و گاز (انرژی) و تحریم‌های مثبت و منفی به عنوان ابزار قدرت نرم اشاره می‌کنند. (نای، ۱۳۹۰: ۱۳۶)

اما در این میانه، برخی از صاحب نظران، تحریم‌های اقتصادی، خصوصاً تحریم‌های اقتصادی گسترده را جنایت بین‌المللی محسوب نموده و بر این اساس برای افرادی که به نحوی در این گونه تحریم‌ها نقش دارند، مسئولیت کیفری قائل شده‌اند (Davidsson, 1998). و این امر بدیهی است که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در صورت اعمال تحریم بر خلاف معاهدات حقوق بشری اعم از جهانی یا منطقه‌ای، مرتکب نقض حقوق بشر می‌گردند و در نتیجه، مسئولیت بین‌المللی آن‌ها قابل طرح خواهد بود. اما این مسئولیت جنبه کیفری ندارد و صرفاً واجد مسئولیت حقوقی است.

نقض حقوق بشر در نتیجه اعمال تحریم‌های اقتصادی ممکن است تحت شرایطی در چارچوب جنایات بین‌المللی قرار گیرد. در این صورت مجازات نسبت به اشخاص حقیقی اعمال می‌گردد، اما مسئولیت غیرکیفری که متضمن جبران خسارت است، متوجه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی خواهد بود. «برای مثال، ممکن است جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی را مقامات یا فرماندهان نظامی مرتکب شده باشند، اما مسئولیت جبران ضرر و زیان ناشی از آن اعمال با کشور متبوع آن‌هاست» (همان، ۱۳).

حال با توجه به کارکرد قدرت نرم در بحث تحریم‌های اقتصادی و دامنه شمول جنایات علیه بشریت به بررسی این بحث پرداخته خواهد شد که این مستلزم شناخت عناصر و شرایط لازم برای تحقق جنایات علیه بشریت خواهد بود.

طبق ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مقصود از جنایات علیه بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مصرح در این ماده می‌باشد که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله، ارتکاب یابد. قید عبارت «به هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله»، دامنه شمول جنایات علیه بشریت را محدود کرده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۲۳۹).

بر اساس بند (a) ۲ از ماده ۷، منظور از «حمله گسترده یا سازمان یافته» بر ضد یک جمعیت غیر نظامی، روندی مشتمل بر ارتکاب متعدد اعمال مذکور در بند ۱ علیه هر جمعیت غیرنظامی

می‌باشد که در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای انجام چنین حمله‌ای دنبال شده باشد.

مقصود از حمله نیز چنان که در سند موسوم به «عناصر تشکیل دهنده جرایم» تصریح گردید لزوماً حمله نظامی نیست. بنابراین ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بند ۱ ماده ۷ خواه به صورت مسلحانه و خواه با شکل غیرمسلحانه با تحقق سایر شرایط جنایت علیه بشریت محسوب خواهد شد.

عنصر ماده جنایات علیه بشریت مشتمل بر اعمال زیر است: ۱- قتل؛ ۲- نابودسازی (ریشه کن کردن)؛ ۳- به بردگی گرفتن ۴- اخراج یا انتقال اجباری یک جمعیت؛ ۵- محبوس کردن یا محروم نمودن شدید از آزادی جسمانی با نقض قواعد اساسی حقوق بین‌الملل؛ ۶- شکنجه؛ ۷- خشونت جنسی؛ ۸- اذیت و آزار یک گروه بنا به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، جنسیتی یا علل مشابه؛ ۹- ناپدید کردن اجباری اشخاص؛ ۱۰- تبعیض نژادی؛ ۱۱- اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم، روان یا سلامت اشخاص صورت می‌گیرد. برای تحقق عنصر روانی جنایات علیه بشریت در کلیه موارد مذکور سوء نیت عام ضرورت دارد که شامل دو جزء می‌باشد؛ نخست اینکه مرتکب باید در انجام هر یک از اعمال مندرج در بند اول ماده ۷، عمد داشته باشد. بنابراین در صورتی که اشخاص دیگری، متهم را وادار به انجام اعمال مذور کرده باشند، نمی‌توان وی را به ارتکاب جنایت علیه بشریت محکوم نمود. دوم اینکه متهم باید نسبت به وجود یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی علم و آگاهی داشته باشد.

به بیان دیگر، باید بدانند عملی را که انجام می‌دهد، بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان یافته است و در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا سازمان صورت می‌گیرد. فقدان علم به وجود یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی ممکن است متهم را در معرض محکومیت در دادگاه‌های داخلی به اتهام ارتکاب قتل، خشونت جنسی و نظایر آن‌ها و یا محکومیت در دیوان کیفری بین‌المللی و یا سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به اتهام ارتکاب جنایات جنگی قرار دهد.

لیکن محکوم کردن وی به ارتکاب جنایات ضد بشریت، به دلیل فقدان علم نسبت به وجود حمله، ممکن نخواهد بود. البته، همان طور که در سند «عناصر تشکیل دهنده جرایم» تصریح

شده است علم مرتکب نسبت به همه و ویژگی های حمله یا جزئیات دقیق نقشه یا طرح دولت یا سازمان ذیربط ضرورتی ندارد (همان، ۱۲۴).

با توجه به مطالب پیش گفته اکنون به این سؤال باز می گردیم که آیا می توان تحریم های اقتصادی گسترده در چارچوب قدرت نرم از مصادیق جنایات علیه بشریت به شمار آورد؟ «پیشنهاد افزودن اعمالی چون تحریم اقتصادی (پیشنهاد دولت کوبا) یا تروریسم به فهرست جنایات ضد بشریت در کنفرانس رم آرای کافی را کسب نکرد. در عوض بند (k) ۱ از ماده ۷ هر عمل غیرانسانی مشابه موارد مصرح قبلی را جنایت علیه بشریت دانسته است.» (همان، ۱۲۲). در بادی امر، قلمداد نمودن تحریم های اقتصادی به عنوان جنایت علیه بشریت با دو مانع مواجه می شود. یکی لزوم غیرمجاز بودن عمل ارتكابی از نظر حقوق بین الملل و دیگری اصل تفسیر مضیق؛ در این زمینه، سند موسوم به «عناصر تشکیل دهنده جرایم» در مقدمه تفسیر ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی اعلام می دارد: «۱- از آنجایی که ماده ۷ مربوط به حقوق بین الملل کیفری می باشد، مواد آن باید مطابق ماده ۲۲، به طور مضیق تفسیر شده و این نکته در نظر گرفته شود که جنایات علیه بشریت به طوری که در ماده ۷ تعریف شده است، از جمله شدیدترین جرایمی هستند که به کل جامعه بین المللی مربوط می شود و مسئولیت کیفری فردی را ایجاب نموده و متضمن آن می باشد و مستلزم رفتاری است که به موجب حقوق بین الملل عام به نحوی که از سوی نظام های حقوقی عمده جهان پذیرفته شده است، غیرمجاز باشد» (شیت، ۱۳۸۴: ۲۹۷). اعمال تحریم های اقتصادی اساساً از نظر حقوق بین الملل اقدامی غیرمجاز محسوب نمی شود، با وجود این، در برخی موارد مغایر با حقوق بین الملل شناخته می شود و آن در صورتی است که این اقدام با نقض مفاد یک معاهده دو یا چند جانبه صورت گیرد و یا اینکه ناقض قواعد حقوق بشر یا سایر قواعد حقوق بین الملل عام باشد. همچنین اعمال تحریم های اقتصادی گاه ممکن است از آغاز مغایر با تعهدات بین المللی تحریم کننده باشد و گاه نیز در خلال اجرای برنامه تحریم، به دلیل تخطی از اصول حقوق بین الملل عام و یا موازین حقوق بشر، به اقدامی مغایر با حقوق بین الملل بدل گردد. در نتیجه، تحریم های اقتصادی نیز در مواردی ممکن است غیرمجاز تلقی شده و با تحقق شرایط لازم، در شمار مصادیق جنایات علیه بشریت قرار گیرند. در رابطه با اصل تفسیر مضیق که بر اساس آن تنها اعمالی جرم شناخته می شوند که در اسناد یا رویه بین المللی صراحتاً و مشخصاً به عنوان جنایات بین المللی محسوب

شده باشند، ذکر این مطلب ضروری است که تحریم‌های اقتصادی ممکن است به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که مردم عادی را با آسیب‌های شدید جسمی و روانی مواجه سازد. بنابراین می‌توان تحریم‌های اقتصادی گسترده را مشمول بند (k) ماده ۱ دانسته است. به موجب بند (k) از ماده ۷، اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم، روان یا سلامت اشخاص ارتکاب می‌یابد، جنایات علیه بشریت محسوب می‌شود. هر چند پیشنهادات مربوط به گنجانیدن اعمال دیگر نظیر تحریم اقتصادی، تروریسم و به گرسنگی کشاندن افراد به عنوان جنایات علیه بشریت از حمایت کافی برخوردار نبود (همان، ۵۴).

این عدم حمایت را نمی‌توان به منزله خروج موضوعی عناوین مذکور و سایر اعمال غیرانسانی از شمول جنایات علیه بشریت تلقی نمود. در واقع اساسنامه با پیش بینی پاراگراف‌های نهایی فهرست جنایات علیه بشریت تحت عنوان «سایر اعمال غیر انسانی»، زمینه تکامل این بحث را فراهم می‌کند (همان، ۵۵). «برای تشخیص اعمال غیر انسانی موضوع این بند، علاوه بر این که آن‌ها باید از لحاظ شدت با موارد مصرح قبلی تشابه داشته باشند، می‌توان به معیارهای حقوق بشر که در اسناد و مدارک بین‌المللی، ... مورد اشاره قرار گرفته‌اند مراجعه کرد که نقض آن‌ها ممکن است، با وجود سایر شرایط، به یک جنایت علیه بشریت منتهی گردد» (میر محمدصادقی، ۱۳۸۳: ۱۲۳). علاوه بر این، اعلامیه‌ها و معاهدات حقوق بشر که در آینده پذیرفته می‌شوند باید دیوان را در تعیین گستره «سایر اعمال غیر انسانی» یاری کنند (شبث، ۱۳۸۴: ۵۶). بنابراین چنانچه اجرای یک برنامه تحریم بر خلاف موازین حقوق بشر بوده و از حیث شدت، مشابه با موارد مذکور در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی باشد، اتهام جنایت علیه بشریت به افرادی که برنامه تحریم را طراحی و یا اجرا می‌نمایند، قابل انتساب خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

تحریم‌های یک جانبه تحریم‌هایی هستند که تنها توسط یک دولت و علیه دولتی دیگر، اعمال می‌گردد. تحریم اقتصادی، ابزاری در خدمت سیاست خارجی کشورهاست، و از آنجا که تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر کشور هدف تحریم به کار گرفته می‌شود و هدف تحریم کنندگان، آن است که بدون استفاده از نیروی نظامی به اهداف خود دست یابند لذا از این سیاست می‌توان به عنوان سیاستی در میانه اعمال قدرت نرم و سخت، نام برد.

تحریم های یکجانبه تنها در صورتی مشروع خواهند بود که در پاسخ به اقدامات متخلفانه دولت هدف تحریم اتخاذ شوند و واجد شرایط لازم برای اقدامات متقابل از جمله ضرورت و تناسب باشند. نظر به این واقعیت که در نظام حقوق بین الملل کنونی، توسل به زور به عنوان ابزار سیاست خارجی، ممنوع شده است لذا توسل به اقدام متقابل (با ابزار تحریم اقتصادی) در مواردی که در مقام واکنش به نقض حقوق بین الملل از سوی دولت هدف تحریم، صورت گرفته باشد، میتواند ابزاری در خدمت رعایت مقررات حقوق بین الملل باشد اما اگر این تحریمها به عنوان ابزاری جهت پیشبرد سیاست خارجی دولتهای بزرگ، مورد استفاده قرار گیرد، در واقع به مثابه اعمال قدرت (در میانه قدرت نرم و سخت) و مداخله در امور داخلی دیگر دولتها خواهد بود.

قدرت نرم دارای دو مفهوم محدود و گسترده است. در مفهوم گسترده، قدرت نرم مترادف با قدرت غیرنظامی است و شامل هر دو قدرت فرهنگی و اقتصادی می شود و تنها در مفهوم محدود، قدرت نرم شامل قدرت فرهنگی است. اما گروهی از محققان قدرت اقتصادی را یکی از مهم ترین ابزارها در جعبه ابزار سیاست های قدرت نرم می دانند و به اعمال تحریمهای اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای اعمال قدرت نرم اشاره میکنند. از سوی دیگر، سیاست تحریمهای یکجانبه آن گاه که در پوشش تحریمهای جامع اعمال میشود و جلوه هایی از تحریمهای بسیار سخت پدیدار میشود، اگر همراه با قصد نابودی ملت هدف تحریم انجام شود، مصداق جنایت ژنوسید خواهد بود و در غیر اینصورت، اگر علیه جمعیت غیرنظامی برنامه ریزی شده باشد، میتواند به عنوان جنایت علیه بشریت قلمداد گردد و به عنوان یکی از مصادیق اعمال قدرت سخت مورد توجه قرار گیرد. بنابراین به نظر میرسد که تحریمهای یکجانبه، یکی از ابزارهای قدرت دولتها در میانه قدرت نرم و سخت میباشد.



## منابع

۱. افخمی، رسول؛ ارفع نیا، بهشید و محبی، محسن (۱۳۹۹). «عملکرد نهادهای غیردولتی ورزشی بعنوان قدرت نرم در برقراری صلح در سطح بین المللی با تاکید بر بازی های المپیک»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان.
۲. ایوانز، گراهام و جفری، نونام (۱۳۸۱). فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طراز کوهی، تهران: نشر میزان، چاپ نخست.
۳. آذری، هادی (۱۳۸۵). «تعریف و توصیف جنایت ژنوسید در پرتو رویه قضایی دادگاه های کیفری بین المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق»، مجله پژوهش های حقوقی، سال ۵، شماره ۱۰، پائیز و زمستان.
۴. آقابخشی، علی (۱۳۷۷). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۵. جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۳(۸)، ۶۵-۸۹.
۶. چهارآزاد، سعید (۱۳۹۹). «بررسی فرآیند سیاستگذاری حقوق بشری ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه». فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۹(۲)، ۳۵-۵۰.
۷. حدیدی، حسین (۱۳۹۹). «تجلی قدرت نرم در دعا‌های صحیفه سجادیه»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان.
۸. حق پناهان، حمیدرضا؛ کرمی، حامد و همتی، مجتبی (۱۴۰۰). «رابطه بین حکمرانی خوب و صیانت از سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های قدرت نرم با نگاهی به قانون اساسی ج.ا.ا.»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال ۱۱، شماره ۱، بهار.
۹. رفیعی قهساره، ابوذر (۱۳۹۷). «الگوها و شاخص های سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم کشورها»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان.
۱۰. زرقانی، هادی (۱۳۸۸). مقدمه ای بر قدرت ملی: مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). نظریه های تحریم اقتصادی، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۲. زهرانی، مصطفی (۱۳۸۷). مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه ایران: موانع و چالش های

- نفت ایران: فصلنامه بررسی مسایل اقتصادی و انرژی، سال ۱، شماره ۲.
۱۳. شبت، ویلیام ا (۱۳۸۴). مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، ترجمه سید باقر میر عباسی و حمید الهوتی نظری، تهران: انتشارات جنگل.
۱۴. شجاعی، هادی و دیگران (۱۳۹۳). «تاثیر انقلاب اسلامی ایران در برجسته شدن موضوع قدرت نرم در روابط بین الملل»، ماهنامه معرفت، سال بیست و سوم، مرداد، شماره ۲۰۰.
۱۵. شیروانی، میثم (۱۳۸۹). قدرت نرم؛ پیامدهای سیاسی و امنیتی جنگ ۳۳ روزه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۶. صبور، ضیاءالدین (۱۳۹۰). قدرت نرم آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. صدیق، میرابراهیم؛ جمشیدی، محسن و پورعظیم، معصومه (۱۳۹۸). «نقش و جایگاه استراتژی دفاعی در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۳(۱۱)، ۶۳-۹۸.
۱۸. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳). «نگرشی بر مسئولیت بین المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال ششم، شماره ۱۳، پائیز و زمستان.
۱۹. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
۲۰. ملکی عزین آبادی، روح اله؛ موسوی، سید محمدرضا و جلالی راد، محمدصادق (۱۳۹۸). «بررسی رویکرد ایالات متحده آمریکا علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تمرکز بر اقدام دونالد ترامپ در قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست گروه های تروریستی»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۴)، ۱۲۹-۱۵۹.
۲۱. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۳). دادگاه کیفری بین المللی، تهران: نشر دادگستر.
۲۲. نای، جوزف اس (۱۳۹۰). آینده قدرت، ترجمه سیدرضا مراد صحرائی، تهران: حروفیه.
۲۳. وکیل، امیرساعد و عسگری، پوریا (۱۳۸۳). حق توسعه و جهان شمولی حقوق بشر، نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)، تهران: مجد.
۲۴. یوسفی، جعفر (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی قدرت نرم در گفتمان اسلامی و لیبرال دموکراسی، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات بسیج.

25. Carr, E.H. (1964). *The Twenty years Crisis, 1919-1939*, An Introduction to the Study of International Relations, New York, Harper & Row.
26. Cortright, David; Lopez, George A; *Miner, Larry, & Weiss, Thomas G, (1998)*. Toward More Human
27. Daniëlla Dam-de Jong (2020). "Who Is Targeted by the Council's Sanctions? The UN Security, Council and the Principle of Proportionality", *Nordic Journal of International Law*
28. Davidsson, Elias (1998). *The Economic Sanctions Against The Iraqi People: Consequences and Legal Findings*, at
29. Elagab, Omer Yousef (1988). *The legality of Non for cibe countermeasurs in international Law*, Oxford clarendon press.
30. Elizabeth, Zoller (1984). *Peactime unilatevalremedies, an annalasis of counter measurs*, New York Transnational publishers.
31. Gordon, Joy (2002). *When Intent Makes All the Difference in the World: Economic Sanctions on Iraq and the Accusation of Genocide* ", *Yale Human Rights & Development Law Journal*. Vo. 5
32. <http://unispal.un.org/unispal.nsf/0/F143EA8557419E6F35261,2012-8-1>
33. <http://www.hartford hwp.com/archives/27c/092.html.2008/02/07>.
34. <http://www.Crosscurrent .org /Gordon. htm>. May 06/2007.
35. ILC Report of 48th Session, (1998). (A/51/10), 153
36. ILC Report, (1992)